

امام علی (ع) و عدالت گرایی

<?xml encoding="UTF-8?">

امامان شیعه سبیل همه خوبی ها هستند و مانند خورشیدی فروزان در فضای فکری جوامع می درخشند. بر این اساس، همه ابعاد زندگی آنان بایسته پژوهش است، ولی بعضی از ویژگی های آن بزرگواران نقطه عطفی در حیات طیبیه شان محسوب می گردد که لزوم پژوهش درباره آنها را اهمیتی دو چندان می دهد. بدین منظور این جستار در صدد است در هر شماره به یکی از ویژگی های بارز امامان معصوم (علیهم السلام) بپردازد. در این شماره، عدالت گرایی علی (ع) با محوریت عدالت اقتصادی بررسی می گردد.

اهمیت عدالت

عدالت، واژه ای بسیار زیباست که همگان آن را دوست دارند. حتی زمام داران عدالت ستیز نیز با شعار «عدالت خواهی» حکومت می کنند. عدالت، مایه حیات جوامع انسانی است. (1) به واسطه عدالت، امنیت، آسایش و عافیت فراهم می گردد (2) و هیچ چیزی مانند عدالت موجب آبادانی شهرها نمی شود. (3) عدالت ورزی، برکت و رحمت الهی را چند برابر می کند (4) و هر کس به عدل و انصاف عمل کند، خداوند ملک او را استوار می دارد. (5) اصولاً یکی از مهم ترین علل بعثت انبیا، برقراری قسط و عدالت بوده است. (6) امام علی (ع) نیز یکی از دلایل تشکیل حکومت خویش را برپایی عدالت بیان نموده (7) و درباره اهمیت آن فرمود: «اجرای عدالت، حتی در یک لحظه، با ارزش تر از عبادت هفتاد ساله ای است که همراه با شب زنده داری و روزه داری باشد.» (8) شهید مطهری (ره) فرمود: «از نظر علی (ع) آن اصلی که می تواند تعادل اجتماع را حفظ کند و همه را راضی نگه دارد و به پیکر اجتماع، سلامت و به روح اجتماع، آرامش بدهد، عدالت است... عدالت، بزرگ راهی است عمومی که همه را می تواند در خود بگنجاند و بدون مشکل عبور دهد؛ اما ظلم و جور کوره راهی است که حتی فرد ستم گر را به مقصود نمی رساند.» (9)

سیاست ها و راه کارهای تحقق عدالت اقتصادی

درباره عدالت اقتصادی امام علی (ع) از زاویه های مختلفی می توان بحث کرد، اما در این نوشتار، به سیاست های راهبردی آن حضرت در ایجاد عدالت اقتصادی می پردازیم.

1) تقسیم عادلانه بیت المال

یکی از اقدامات انقلابی امام (ع)، تقسیم عادلانه بیت المال بود. فردای روز بیعت، آن حضرت بر فراز منبر فرمود: «... مسلمانان بدانند که امتیاز معنوی نزد خداست و مسلمانان از نظر مادی تفاوتی ندارند. همگی بندگان خداوند، دارایی ها از آن خداست و میان شما به صورت مساوی تقسیم خواهد شد...» (10) علی (ع) پس از رسیدن به خلافت، به هر مسلمان، در هر رشته و رده و نژادی که بود، سه درهم داد و به «عمار

بن یاسر» و «ابو الهیثم بن التیهان» کتاباً ابلاغ کرد: عرب، عجم، انصار و مهاجر... و تمام کسانی که جزء حوزه اسلام هستند، با هم مساوی اند.

سهل بن حنیف، غلام سیاه پوستی را به محضر آن حضرت آورد و گفت: «به این غلام چقدر می دهی؟» امام (ع) فرمود: تو خود چه اندازه گرفتی؟ گفت: سه دینار. امام (ع) فرمود: به این غلام نیز سه دینار بدهید. (11)

ابن اسحاق نقل می کند: دو خانم، یکی عرب و یکی عجم برای گرفتن بیت المال به امام (ع) مراجعه کردند، ایشان به هر دو یک سان داد. زن عرب اعتراض کرد: چرا من که از نژاد عرب هستم با این زن که از موالیان و نژاد عجم است، یک سان ببریم؟! امام (ع) در پاسخ فرمود: من در اموال عمومی، امتیازی برای فرزندان اسماعیل نسبت به فرزندان اسحاق نمی یابم. (12)

به گفته ابو جعفر اسکافی، اولین اقدام علی (ع) امتیازخواران را وادار به مقابله با حکومت علوی نمود و موجب برافروخته شدن آتش کینه آنان گردید. (13) از این رو سران عرب کم کم لب به اعتراض گشودند و در میان آنان طلحه و زبیر، عبد الله بن عمر و سعید بن عاص تا آن جا پیش رفتند که بیعت خود را شکسته و با عنوان خون خواهی عثمان با امام (ع) اعلام جنگ کردند. (14)

2) برگرداندن اموال تاراج شده به خزانه عمومی

امام علی (ع) در روز دوم بیعت با اعلام سیاست مساوات و رفع تبعیض، استرداد اموال نامشروع را به خزانه عمومی اعلام نمود. آن حضرت خود می دانست که این اقدام برای حکومت وی خطرساز است، ولی با قاطعیت این سیاست را اجرا کرد.

ابن ابی الحدید می گوید: عمر و عثمان اموال فراوانی داشتند و زمین های بیت المال را به اقوام و خویشاوندان خود بخشیده بودند، (15) لذا علی (ع) در روز دوم خلافت گفت: «بدانید بخششی که عثمان از بیت المال داشته است، به خزانه عمومی مسترد خواهد شد». (16) آن گاه صحبت خود را چنین ادامه داد: به خدا سوگند، بیت المال تاراج رفته را هر کجا بیابم به صاحبان اصلی آن باز می گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده و یا کنیزی خریده باشند، زیرا عدالت، برای گشایش است و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای وی سخت تر است». (17)

ابن ابی الحدید سپس می نویسد: علی (ع) فرمان داد تا ابزار جنگی و شترانی را که به عنوان زکات در خانه عثمان بود، به بیت المال برگردانند و به اموال شخصی عثمان تعرض نکنند. وقتی این خبر به گوش عمرو عاص رسید، نامه ای برای معاویه نوشت به این مضمون: هر کاری که ممکن است انجام بده، چرا که پسر ابی طالب (ع) همه اموالی را که جمع آوری کرده ای، خواهد گرفت. (18)

3) فقرزدایی

آن حضرت می دانست که یکی از آسیب های جامعه اسلامی، فقر و نداری است که ناهنجاری هایی به وجود آورده و مردم را سخت آزاده است. بدین منظور امام (ع) در گام نخست، فرهنگ انفاق و کمک های مالی را ترویج نمود. از ثروت مندان درخواست کرد فقیران را شریک مال خود قرار داده و حق آنان را ضایع نکنند. امیر مؤمنان (ع) فرمود: «خداوند بر ثروت مندان واجب کرده است تا از اموالشان به اندازه کفایت فقیران هزینه کنند. بنابراین، اگر فقیران گرسنه ماندند یا پوشاک نداشتند، به سبب منع ثروت مندان است و خداوند از آنان حساب می کشد و

مجازاتشان می کند.» (19)

از سوی دیگر، امام (ع) مسئولان حکومتی را موظف نمود که به حمایت از محرومان بپردازند. ایشان خطاب به مالک اشتر فرمود: پس خدا را! خدا را! درباره طبقه فقیران از مردم؛ آنان که چاره ندانند و از نیازمندان و بینوایان و از بیماری بر جای ماندگانشانند، که در این طبقه مستمندی است خواهند و مستحق عطایی است به روی خود نیاورنده. پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است. بخشی از بیت المال و بخشی از غله های زمین های غنیمتی اسلام را در هر شهری به آنان واگذار...» (20)

به گفته برخی از محققان، امام علی (ع) برنامه فقرزدایی را بر اساس آمار دقیق و به دست مأموران بصیر و دانا انجام می داد. (21) او خود را پدر یتیمان معرفی می کرد و همچون پدر با ایشان رفتار می نمود. (22) توجه آن حضرت فقط به بینوایان و از کار افتادگان مسلمانان نبود، بلکه اقلیت های مذهبی همچون نصرانیان نیز از مهربانی و حمایت امام (ع) برخوردار بودند. روزی امام (ع) پیرمردی نابینا را دید که گدایی می کرد. از حاضران پرسید: او کیست؟ گفتند: مردی نصرانی است. حضرت فرمود: او را به کار گرفته اید تا این که پیر و ناتوان شده و آن گاه رهایش نموده اید. سپس دستور داد از بیت المال به او کمک کنند. (23)

چقدر فاصله است بین دیدگاه امام علی (ع) درباره حمایت از محرومان و برخی از نظریه پردازان سرمایه داری! اسپنسر می گوید: «وظیفه قوی های اقتصادی این است که ضعیفان اقتصادی را از صفحه روزگار براندازند، و اقدامات درمانی و تأمین اجتماعی نه تنها دردی را دوا نمی کند، بلکه بر دامنه و دوران درد و رنج انسان ها می افزاید، زیرا جمعیت رو به افزایش است و سرانجام همگی از گرسنگی خواهند مرد.» (24)

4) نظارت و کنترل

این استراتژی امام علی (ع) در قالب های مختلفی مانند: نظارت بر خویشاوندان، مدیران و بازار اسلامی صورت گرفت و در تحقق عدالت اقتصادی بسیار تأثیر گذار بود. روزی علی (ع) یکی از خویشاوندان خود را که به بیت المال خیانت کرده بود تهدید نمود و خطاب به وی فرمود: «به خدا سوگند، اگر حسن و حسین هم دست به چنین خیانتی می زدند، هرگز از آنان هواخواهی و پشتیبانی نمی کردم و ذره ای در تصمیم گیری من تأثیر نمی گذاشت.» (25)

امام به مدیران حکومتی خود نیز دستور داد از هرگونه رانت خواری و سوء استفاده از بیت المال پرهیز نمایند. آن حضرت در نامه ای خطاب به مصقلة بن هبیره شیبانی فرمود: از تو به من خبر رسیده است که غنیمت مسلمانان را به عرب هایی می دهی که خویشاوندان تو هستند و تو را برگزیده اند... بدان مسلمانانی که نزد تو و ما به سر می برند، حقشان از این غنیمت یک سان است. برای گرفتن آن نزد من می آیند، حق خود را می گیرند و باز می گردند.» (26)

امام در جهت شکل گیری فرایند عدالت، شخصاً اوضاع بازار را زیر نظر داشت و در مناطق دیگر نیز افرادی را برای نظارت و کنترل بر بازار گمارده بود. (27) از امام باقر (ع) روایت شده است که آن حضرت، بامداد هر روز از منزل خارج شده و به طرف بازار کوفه می رفت و در حالی که تازیانه ای بر دوش آویخته بود نزد سودگرایان می ایستاد و ندا می داد: ای گروه تجار! از خداوند بترسید.

5) پیش گیری از پیدایش ثروت های غیر مشروع

یکی از شیوه های کاربردی امام در تحقق عدالت، جلوگیری از ثروت اندوزی های غیر مشروع بود. بدین منظور آن حضرت در قدم اول، مردم را از دنیاگرایی بر حذر داشته و آنان را به معنویت گرایي فرا خواند. متأسفانه بعد از رحلت پیامبر (ص) برخی از مردم و صاحبان قدرت، به ثروت اندازی روی آوردند. به نقل مورخان، روزی که عثمان کشته شد، صد و پنجاه هزار دینار و یک میلیون درهم پول نقد داشت. قیمت املاکش در وادی القری و حنین و... بالغ بر صد هزار دینار می شد و اسب ها و شترهای فراوانی از او باقی مانده بود. (28)

امام (ع) به منظور جلوگیری از این آفت خطرناک در نامه ای به مالک اشتر تأکید می کند که مردم را از ثروت اندوزی و دنیاگرایی بر حذر دارد. (29) هم چنین ایشان برنامه های اقتصادی نظام یافته ای را ارائه داد تا از پیدایش ثروت های غیر مشروع جلوگیری شود؛ این برنامه ها در قالب مبارزه با رباخواری و احتکار صورت گرفت. (30)

مضافاً این که آن حضرت با صدور بخش نامه های مختلف، مدیران و مسئولان حکومتی را از ثروت اندوزی و سوء استفاده از بیت المال برحذر داشت. افزون بر آن، با متخلفان اقتصادی برخورد نمود و مهم تر از همه، به توزیع عادلانه ثروت ها و اموال عمومی برای همه مردم و شهرها پرداخت.

مطلب قابل توجه آن است که امام (ع) خود از هرگونه ثروت اندوزی پرهیز نمود و زهدگرایی خویش را به نمایش گذاشت. پارسایی و زندگی ساده امام به گونه ای بود که عمل کرد خلفای پیشین نزد مردم زیر سؤال رفت. آن حضرت درباره وضع زندگی خود خطاب به مردم کوفه فرمود: «ای مردم! اگر من از شهر شما با چیزی بیش از مرکب سواری و بار و بُنه و غلام خود بیرون روم، به شما خیانت کرده ام.» (31)

6) کار و تولید

امام علی (ع) در کنار فعالیت های ذکر شده، زمینه ها و عوامل کار و تولید را نیز فراهم نمود، چرا که اجرای سیاست های اقتصادی مستلزم جامعه ای درآمدزا و برخوردار از سرمایه است. بدین منظور آن حضرت دیگران را به کار و افزایش تولید تشویق نمود و خود نیز به کار و تولید پرداخت.

ایشان فرمود: «کاری در نظر خدا محبوب تر از کشاورزی نیست.» (32) آن حضرت بسیاری از خدمات و انفاق های خود را از درآمد کشاورزی انجام می داد. (33) امام صادق (ع) می فرماید: پیامبر اکرم (ص) زمینی از انفال را در اختیار علی (ع) قرار داد. حضرت در آن زمین قناتی حفر کرد که آبش همچون گردن شتر فواره می زد... آن گاه فرمود: آب این قنات وقف زائران خانه خدا و رهگذران است و کسی حق فروش آن را ندارد. (34)

امام (ع) موقوفات متعددی داشت که در کتاب های تاریخی و حدیثی بیان شده است. طبق نقل مورخان، درآمد سالانه این موقوفات چهل هزار دینار بوده که تماماً صرف بینوایان می شد. (35)

این نوشتار را با عبارت حکیمانه ای از امام علی (ع) به پایان می بریم: «قسم به خدا! اگر بر روی خارهای سعدان به سر ببرم و یا با غل و زنجیر به این سو و آن سو کشیده شوم، خوش تر دارم تا خدا و پیامبرش را در روز قیامت در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم و چیزی از اموال را غصب کرده باشم.» (36)

محورهای پژوهش:

لطفاً فقط یکی از محورهای زیر را انتخاب کرده و درباره آن مقاله بنویسید.

1. عدالت اجتماعی در حکومت علوی.

2 . عدالت اقتصادی در اندیشه و سیره امام علی (ع).

3 . عدالت امام علی (ع) در برخورد با مخالفان.

منابع پژوهش:

- 1 . محمد دشتی، امام علی (ع) و اقتصاد.
- 2 . جرج جرداق، امام علی (ع) صدای عدالت انسانی.
- 3 . مرتضی مطهری، کتاب های: بیست گفتار، سیری در نهج البلاغه، سیری در سیره ائمه اطهار.
- 4 . پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، دانشنامه امام علی، ج 6 و 7.
- 5 . مجله حکومت اسلامی، شماره 17 و 18.
- 6 . سیدجعفر شهیدی، زندگی امام علی (ع).
- 7 . جعفر سبحانی، فروغ ولایت.
- 8 . سیداصغر ناظم زاده قمی، تجلی امامت.
- 9 . مهاجر، علی (ع) اقیانوس عدالت.
- 10 . احمد احمدی بیرجندی، علی اسوه تقوا و عدالت.
- 11 . ذبیح الله حسن زاده، علی (ع) امیر حکمت و عدالت.
- 12 . حسین قلی زاده، علی (ع) قرین عدالت.
- 13 . امیر مهدی، امیر سکوت و عدالت حضرت امام علی (ع).
- 14 . احمد گلزاری، امام علی (ع) اسوه عدالت.
- 15 . عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، زندگی امام علی (ع) صدای عدالت انسانی.
- 16 . عباس قدیانی، عدالت علی (ع).
- 17 . مهدی پیشوایی، سیره پیشوایان.

پی نوشت ها :

- 1) دانشنامه امام علی (ع)، ج 7، ص 74.
- 2) نهج البلاغه، خطبه 78.
- 3) غرر الحکم و درر الکلم، ج 6، ص 86.
- 4) همان، ج 3، ص 205.
- 5) همان، ج 5، ص 355.
- 6) حدید (57) آیه 25.
- 7) مرتضی مطهری، سیری در نهج البلاغه، ص 115.
- 8) دانشنامه امام علی (ع)، ج 7، ص 74.
- 9) سیری در نهج البلاغه، ص 123.
- 10) شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 1، ص 40 - 36.

- 11) بحارالانوار، ج 40، ص 107.
- 12) محمد محمدی ری شهری، موسوعة الامام علی بن ابی طالب، ج 4، ص 194.
- 13) مجله حکومت اسلامی (ویژه حکومت علوی) شماره 18، ص 65.
- 14) سیداصغر ناظم زاده قمی، تجلی امامت، ص 101.
- 15) مجله حکومت اسلامی، شماره 17، ص 340.
- 16) همان، شماره 18، ص 64.
- 17) نهج البلاغه، خطبه 15؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 1، ص 27.
- 18) همان.
- 19) محمد محمدی ری شهری، موسوعة الامام علی بن ابی طالب، ج 4، ص 204.
- 20) نهج البلاغه، نامه 53، با استفاده از ترجمه دکتر شهیدی و محمد دشتی.
- 21) ر.ک: محمد محمدی ری شهری، موسوعة الامام علی بن ابی طالب، ج 4، ص 204.
- 22) اصول کافی، ج 1، ص 406.
- 23) مجله حکومت اسلامی، شماره 18، ص 89.
- 24) دانشنامه امام علی (ع)، ج 7، ص 90.
- 25) نهج البلاغه، نامه 41.
- 26) محمد محمدی ری شهری، موسوعة الامام علی بن ابی طالب، ج 4، ص 124.
- 27) دانشنامه امام علی (ع)، ج 7، ص 332 - 333.
- 28) شهید مطهری، سیری در نهج البلاغه، ص 259.
- 29) نهج البلاغه، نامه 53.
- 30) دانشنامه امام علی (ع)، ج 7، ص 95.
- 31) مجله حکومت اسلامی، شماره 18، ص 69.
- 32) بحارالانوار، ج 23، ص 20.
- 33) جعفر سبحانی، فروغ ولایت، ص 296.
- 34) همان، ص 297.
- 35) مناقب، ج 1، ص 323.
- 36) نهج البلاغه، خطبه 224.